

بررسی تطبیقی فهم در شعر فروغ فرخزاد و عقیل علی الحنن فی شعر فروغ فرخزاد و عقیل علی (دراسة مقارنة)

أ.م.د. فلاح حسن عباس

كلية الآداب - جامعة ذي قار

falahhassan1972@yahoo.com

الملخص:

يسلط هذا البحث الضوء على موضوع الحزن في شعر الشاعرة الإيرانية فروغ فرخزاد، و تُعد من رواد الشعر الفارسي المعاصر التي تركت أثراً عميقاً في الشعر والمهتمين به في إيران، والشاعر العراقي عقيل علي وهو من الشعراء العراقيين المؤثرين في الساحة الشعرية والمعروفين عراقياً وعربياً. إمتزجت أشعار فروغ فرخزاد و عقيل علي بالحزن والألم والتمرد واليأس بسبب كثرة المعاناة وعذابات الحياة ومشاكلها وأسباب أخرى. وتميزت بعمق التعبير ودقة الصور الشعرية لبيان مأساتهما ومأساة الانسان في العصر الحديث.

إعتمد الباحث في هذه الدراسة على المدرسة الأمريكية في الأدب المقارن.

الكلمات المفتاحية: (فروغ فرغ زاد، عقيل علي، الحزن، الأدب المقارن، الشعر المعاصر في ايران والعراق).

Sadness in the poetry of Farogh Farrokhzad and Aqeel Ali,

Acomparative study.

Dr. Falah Hassan Abbas

Thi Qar University – College Of Arts

Abstract:

This research highlights on the theme of sadness in the poetry of the Iranian poet Forough Farrokhzad, Who is considered one of the pioneers of contemporary Persian poetry that has left a deep impact on poetry and those interested in it in Iran, and the Iraqi poet Aqeel Ali, who is one of the influential Iraqi poets known in Iraq and Arab Homeland. Forough Farrokhzad's poems and Aqeel Ali's poems were mixed with sadness, pain, rebellion and despair due to the many sufferings, torments and problems of life and other reasons. It was distinguished by the depth of expression and the accuracy of poetic images of the statement of their tragedy and the tragedy of man in the modern era.

In this study, the researcher adopted the American school of comparative literature.

Keywords:(Forough Farghzad, Aqeel Ali, Sadness, Comparative Literature, Contemporary Poetry in Iran and Iraq).

چکیده

این تحقیق به موضوع غم در شعر فروغ فرخزاد شاعر ایرانی که از پیشگامان شعر معاصر فارسی به شمار می رود که تأثیر عمیقی بر شعر و علاقه مندان به آن در ایران گذاشته و شعر عقیل علی شاعر عراقی که از شاعران تأثیرگذار در شعر عربی است می پردازد.

شعر فروغ و عقیل علی به دلیل رنج ها و آزار های فراوان زندگی و مشکلات آن و دلایل دیگر که با غم، درد، عصیان و ناامیدی آمیخته است، که در عمق بیان و دقت تصاویر شاعرانه تجلی یافت تا تراژدی انسان در عصر جدید را نشان دهد. محقق در این پژوهش دنباله رو مدرسه امریکایی در ادبیات تطبیقی است.

واژه های کلیدی

فروغ فرخزاد، عقیل علی، غم، ادبیات تطبیقی، شعر معاصر ایران و عراق.

مقدمه

پس از خواندن زندگی ادبی و اجتماعی و آثار شاعر ایرانی فروغ فرخزاد و شاعر عراقی عقیل علی، اشعارشان را آمیخته با غم، درد، رنج، سرکش و ناامیدی یافتم، شعر آن ها با عمق بیان و تصاویر شاعرانه ای که تراژدی خویش و تراژدی انسان را در این دوران بیان می کند، متمایز می شود. متوجه شدم که موضوع برای مطالعه ای در مقایسه میان شعر معاصر فارسی و عراقی مناسب است، و می خواستم در مورد این موضوع تحقیق کنم. تا آنجا که می دانم، تحقیق تطبیقی در مورد موضوع غم و اندوه بین این دو شاعر در دست نیست. غم محور اساسی شعر فروغ است و به نظر می رسد جدایی او از پسرش (کامیار) یکی از دلایلی است که او احساس غم، درد و بیگانگی می کرد. شاعر (عقیل علی) زندگی خشن پر از رنج، درد، فقر، بدبختی، بیگانگی داخلی و محرومیت به ویژه در کوچه های بغداد داشت که زندگی در آن رو به تباهیست. اشعار شاعران با تصاویر و عباراتی آمیخته شده است که

عمق تراژدی آن ها را که تراژدی بشریت است نشان می دهد، چرا که اشعار آن ها حامل نشانه های نمادین بود که نگرانی های خود و جوامع شان را بیان می کرد. این پژوهش از سه محور تشکیل شده است. محور اول مربوط به زندگی اجتماعی و ادبی فروغ فرخ زاد. محور دوم زندگی اجتماعی و ادبی عقیل علی را مورد بحث قرار می دهد و در محور سوم به غم در شعر فروغ فرخ زاد و عقیل علی می پردازد.

زندگی اجتماعی و ادبی فروغ فرخزاد

فروغ فرخزاد در سال ۱۹۳۴م متولد شد، پدر وی سرهنگ محمد فرخزاد و مادرش بتول وزیر تبار بودند. " من در دی ماه سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شده ام. حال ۲۰ سال دارم، راجع به پدر و مادر و میزان تحصیلاتم بهتر است صحبتی نشود. شاید پدر من از اینکه دختر پرور و خودسری مثل من دارد زیاد خوشنود نباشد." ^۱ دوران کودکی و نو جوانی او در خانواده ای معمولی و متوسط گذشت. و او در دبیرستان (خسرو خاور) تا کلاس سوم درس خواند، بعد از آن به هنرستان بانوان رفت

و در آنجا خیاطی و نقاشی را آموخت. او نزد پتگر از نقاشان معروف، فنون نقاشی را آموخت. اما بطور سریع از نقاشی مدرسه ای دور شد و به جوهر نقاشی روزگار دست یافت. نمایان است که او نقاشی را خیلی خوب و راحت می فهمید و حس می کرد و رنگها را خیلی خوب می شناخت و بویژه در طراحی چیره دست بود. وقتیکه با پرویز شاپور (طنزپرداز معروف) ازدواج کرد، پانزده ساله بود اما خیلی زود از همسرش جدا شد. حاصل ازدواج او پسری به نام کامیار بود ولی او را از دیدار مادرش محروم نموده و نیز مادرش را از دیدار او محروم کردند. فروغ سخت نگران زندگی تنها پسرش بود و بویژه نگران داوری پسرش درباره خودش بود. ^۲ و البته این مسائل باعث غم و اندوه در زندگی فروغ بود و تحمل این موضوع برای دختری جوان مانند فروغ دشوار بود. و طبیعی است که آن تاثیر بزرگ بر زندگی و فکر شاعر بوجود بیاورد. فروغ می گفت: " ... بسیار شب ها نا گهان از خواب می پریم... خواب کامی را می بینم؛ و در خوابهایم همیشه رنگش زرد و لباسهایش پاره است و

تا مرا می بیند به آغوشم می پرد و فریاد می زند: فروغ جان، مامانی، مرا با خودت از اینجا ببر. گاهی وقتها خواب می بینم با کامی سوار اسب می شویم و اسب که می تازد و ما را بر می دارد به زودی از زمین کنده می شود و به آسمان می پرد و کامی می گوید: فروغ جان، مامان خوب حالا یک قصه بگو...^۳ و نیز درباره فروغ، بسیاری از کسان گفتند: "همیشه خدا دلش پیش کامی بود، چادر سر می کرد و می رفت جلوی مدرسه تا پسرش را ببیند و پسرش وقتی او را می دید می گریخت و در برابر نوازشها و التماسهای فرخزاد فریاد می کشید: نه، برو، تو مادرم نیستی، آنوقت فروغ فرخزاد تکیده و بینوا و خسته به خانه بر می گشت و آن وقت بود که آن احوال خاص و مالیخولیائی اش پیش می آمد، روزهای دراز در اتاق را برویش می بست و با کسی حرف نمی زد و غذا نمی خورد...^۴" او از جدایی پسرش احساس درد و ناراحتی می کرد:

لای لای، ای پسر کوچک من

دیده بر بند، که شب آمده است

دیده بر بند، که این دیو سیاه

خون به کف، خنده بر لب آمده است

سر به دامان من خسته گذار

گوش کن بانگ قدمهایش را

کمر نارون پیر شکست

تا که بگذاشت بر آن پایش را^۵

وقتی که اولین مجموعه اشعارش را به نام " اسیر " چاپ کرد، هفده ساله بود. هنگامی که دومین مجموعه اشعارش با نام " دیوار " منتشر شد، بیست و یک سال داشت. در سال ۱۳۳۶ش (۱۹۵۷ م) سومین مجموعه اشعار او به نام " عصیان " منتشر شد. بعد از آن فروغ به کارهای سینمایی نزدیک شد، و هنر سینما در زندگی اش جایی گرامی یافت. در سال ۱۳۳۸ش (۱۹۵۹ م) برای نخستین بار به انگلستان

رفت تا در مسائل تشکیلاتی تهیه فیلم بررسی و مطالعه کند، در پائیز سال ۱۳۴۱ش (۱۹۶۲ م) فروغ به تبریز رفت و فیلم " خانه سیاه است " را از زندگی جذامی ها ساخت، ونیز او در سال ۱۳۴۳ش (۱۹۶۴ م) به آلمان و ایتالیا و فرانسه سفر کرد.^۶ شاعر در روز دو شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۵ش (۱۹۶۶ م) بر اثر تصادف با اتومبیل جان باخت و او را در گورستان ظهیر الدوله به خاک سپردند. آخرین اشعار وی به نام " ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد " هفت سال بعد از مرگش منتشر شد.^۷

زندگی اجتماعی و ادبی عقیل علی

او در سال ۱۹۴۹م در شهر ناصریه به دنیا آمد. شاعر تحصیلات خود را کامل نکرد، اما او در سال های آغازین جوانی خود خواننده ای سیری ناپذیر بود و شعر ترجمه شده جهانی به ویژه شعر فرانسوی را که توسط تعدادی از دوستانش از جمله احمد الباقری ترجمه شده بود، خواند. او همچنین مقدمه های نظری عمیق و هوشیارانه شاعر خالد الامین را خواند. ونیز به میراث صوفی و کتاب ها و متون نثر آن مانند " المواقف و المخاطبات " برای " النفري " تمایل داشت. رابطه عقیل علی با شعر از اوایل دهه ۱۹۷۰م آغاز شد و او اولین اشعار خود را با عنوان " جثة " در روزنامه " الراصد البغدادية " منتشر کرد، او شعر خود را هدیه برای شاعر آمریکایی والت ویتمن کرده بود که عقیل او را بمب گذار برای سرچشمه شاعرانه اش می بیند. ظهور شاعرانه واقعی عقیل از طریق فایل ویژه مجله " الكلمة " در شماره پنجم آن بود که در سال ۱۹۷۴ م منتشر شد که شامل شعر و شهادتی از عقیل علی بود:^۸

" من حوصله ندارم شعر را توضیح دهم، شعر را نظام مند کنم و به آن حد و مرز بدهم، ترس ها و اندوه های وجود دارد که ممکن است آن منفجر بشود، تا شعر یا اشک ها بسازد. داستان این است " ^۹

" در ذی قار بیست سال بر آستانه درد مصلوب شدم " ^{۱۰}

این شاعر آزادانه زندگی می کرد و به شغل نانوایی می پرداخت و حرفه اش را بسیار دوست داشت، زیرا در جلسه خصوصی با یکی از دوستانش به نام سعد جاسم گفت که او بوی نان و نشاط آتش تنانیر را دوست دارد؛ زیرا آن مانند شعر گفتن است که در آن خستگی و رنج و درد است. شاعر زندگی سختی داشت (به ویژه در بغداد)، جایی که فقر، سختی و بی خانمانی در پیاده روهای بیکاری، کافه های بیکار، بارهای دلگیر و خوابیدن در اتاق های سرد و هتل های ارزان قیمت باعث شد که او به بیماری های متعددی مبتلا شود. علاوه بر توهین دیگران که دستاورد شعری و شاعری او را زیر سؤال می بردند و او را متهم می کردند که شعر برای او نیست. اما او به این توهین ها و اظهارات اهمیتی نداد و توجهی نکرد.^{١١} او می گوید:

كنت أنفـس البحر على الركبِ الطريةِ

وأصنع غاراً من تلاواتي للأصابع الأكثر طراوة من الرحم^{١٢}

عقيل على دو مجموعه شعر " جنائن آدم " و " طائر آخر يتواری " را در شهر ناصریه در جنوب عراق در میان موجی از خشم شاعرانه نوشت که دو سال (١٩٧٩م - ١٩٧٨م) به طول انجامید. شاعر مطالعات فراوان خود را در سال ١٩٧١م آغاز کرد. او با یکی از دوستانش بدون گذرنامه به کویت رفت اما نتوانست وارد آن کشور شود. این دو مسافر مخفی مسافتی را با پای پیاده طی کردند. آن ها شبانه راه می رفتند و از دید مرزبانان پنهان می شدند. هنگامی که به حومه کویت رسیدند دستگیر و به عراق بازگردانده شدند. او نتوانست مانند اکثر دوستانش در دهه هشتاد قرن گذشته عراق را ترک کند، زیرا داشتن گذرنامه برای او ممنوع بود. او توانست پس از دومین جنگ خلیج در آغاز سال های ١٩٩٠م به اردن سفر کند. اما حالش خیلی دگرگون بود. پس از ماه ها به بغداد بازگشت. او حتی در سال های بی میلی به نوشتن و قناعت ظاهری از دو مجموعه شعرش در آن سالهای جنگ و ستم سیاه، موقعیت شعری درخشانی را منتشر کرد. عقیل علی در طول سالیان متمادی دوستان زیادی داشت و دیدار و گفتگو با او به امری واجب برای نویسندگان عرب در سفر شان به عراق تبدیل شد. برخی از دوستانش در بغداد دلسوزی و وفاداری زیادی

از خود نشان دادند، زیرا در آخرین روزهای زندگی خود به طرز شگفت انگیزی در کنار او ایستادند. شعرهای نوین او به ما نشان می دهد که تمام خستگی هایی که با تجربه اش همراه بوده و به مرگ دردناکش به دلیل گرسنگی و رها شده در پیاده رو منجر شد. شاعری که از قدرت روحی برخوردار است، به طوری که یکی از تاریک ترین شعرهای خود را با گفتن " ما بیقی هو الأمل وحده " [آنچه می ماند تنها امید است] به پایان می رساند. عقیل علی به خاطر عجز یا تنبلی فرشته ای که منفعلانه پذیرفته می شود، به آغوش بد بختی مادی یا در برهنگی نیفتاد. ولی بر عکس، او به ما نشان می دهد که آن از اجبار ناشی می شود و با مانورهای با خود همراه است که آرام نمی شود. به نظر می رسد که شاعر با درون خود گفت وگو می کند، با خود مجادله می کند، خاک خانه اش را به یاد می آورد و آن را تنها یاور خود می داند:^{۱۳}

یکفي ان تلامس تراب بیتک،
وتقبله

یکفي ان تحنو عليه

یکفي

أن تغني له بكلمة " بنعم "

ویکفي

أن تغني له بكلمة " لا "،

النهار الموحش

والليل الذي هو أكثر وحشة

هو هذا الحجر الذي يناعي

دمعتك^{۱۴}

عقیل علی در یک ایستگاه اتوبوس در منطقه باب المعظم بغداد با شعرش درگذشت (این آخرین شعر اوست). شعر روی یک نسخه ویژه برای ورود به بخش اورژانس در

بیمارستان " مدینه الطب " نوشته شده بود. عنوان آن " ریح الجمرة " بود که درد، غم و ناامیدی را که شاعر از آن رنج می برد آشکار می کند:^{١٥}

أغمضت المقلتين

ومضيت

بعد إنطفائها

مازال الإنتظار مرتحل

والذي لايجيء فيض رمد

واهجر الجدار وسادتک الرصيف

وطعامک بقايا فضلات المزابل...^{١٦}

غم در شعر فروغ فرخزاد و عقيل على

شعر فروغ از نظر محتوی و بویژه در مجموعه اشعار تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد به ظاهر همچنان شخصی، درونگرا و رمانتیک بشمار می رود. او در آنها از خود، برادران و خواهرانش، پدر و مادرش، معشوقش، باغچه خانه اش، کودکی و نوجوانی اش، سرشت و سرنوشتش و اندوه و شکستش حرف می زند، نیز دردها دروغها و آرزوهای شاعر و مردم، و جنبه های مربوط به مفاهیم اجتماعی و انسانی آن روزگار را وصف می کند، و برای بیان این امر ممکن است شعر " دلم برای باغچه می سوزد " را به عنوان نمونه انتخاب می کنم:^{١٧}

کسی به فکر گلها نیست

کسی به فکر ماهیها نیست

کسی نمی خواهد

باور کند که باغچه دارد می میرد

که قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده ست

که ذهن باغچه دارد آرام آرام

از خاطرات سبز تهی می شود...^{١٨}

در مورد عقیل علی به نظر می رسد که احساس تنهایی کرده و هنوز هم می کند. او احساس تنهایی و بیگانگی معنوی می کند و سخنرانی خود را به سمت عزیزانش هدایت می کند، در عین حال می گوید که آن ها پناهگاهی برای او نیست. می بینیم که غم و ناامیدی و درد فضای این شعر را می پوشاند. و او تکرار می کند: "وَأَنْتُمْ لَسْتُمْ بِمَلَازِي يَا مَنْ أَحْبَبْتُمْ" [شما پناهگاه من نیستید. ای که دوستان داشتم].

شاعر همچنین از عباراتی مانند: " آه لازلت وحدي " [آه من هنوز تنهام]، " نواح الخواء " [نالیدن خالی بودن]، " عواء المدينة " [زوزه شهر]، " الصراخ من الألم " [فریاد زدن از درد]، " الهواء ثقيل " [هوا سنگین است]، " الأفكار تصرخ " [ایده ها فریاد می زنند] و استفاده می کند:

لازلت وحدي

وَأَنْتُمْ لَسْتُمْ بِمَلَازِي يَا مَنْ أَحْبَبْتُمْ

آه، لازلت وحدي

أقطع نواح الخواء، أصغي لعواء المدينة وهو يعرّش

صارخاً من الألم

إنني لستُ الوحيد الذي يستمع خيب أيامه

وَأَنْتُمْ لَسْتُمْ بِمَنْجَاي يَا مَنْ أَحْبَبْتُمْ

والهواء الذي يداعب أفكاري ما أثقله!

وأفكاري تصرخ

وصراخها ما أوجعه!^{١٩}

ملاحظه می شود که فروغ نسبت به جامعه و حالت اجتماعی و سیاسی روزگار خود دیدی غمگین و نومیدی و گاهی بدبینانه دارد در واقع " آن پری کوچک غمگینی " که شاعر در شعر " تولدی دیگر " از آن حرف می زند. پری کوچک غمگینی که در اقیانوسی مسکن دارد و دلش را آرام آرام در یک نی لبک چوبین می نوازد خود

شاعر است، شاعری که " همۀ هستی او آیه تاریکی است" و نیز شاعر می گوید که سهمش از زندگی تنها گردش حزن آلودی در باغ خاطره هاست:^{۲۰}

...آه

سهم من اینست

سهم من اینست

سهم من، ...

سهم من گردش حزن آلودی در باغ خاطره هاست

و در اندوه صدایی جان دادن که به من می گوید:

" دست هایت را

دوست می دارم" ^{۲۱}

شاید تفاوت یا تغییر شاعرانه در تجربه خلاقانه و آزادی خواهی از طریق عصیان و طرد کلیشه پردازی و تداوم همان چیزی باشد که شاعر عقیل علی را از هم عصرانش متمایز کرده است. از طریق توانایی ایجاد شگفتی ناشی از تصویر شاعرانه و ریتم موسیقی. تجربه عقیل علی جنجال گسترده ای را در مورد دیدگاه او با معانی عمیق ایجاد می کند. شعر او به طور سطحی درک نمی شود، بلکه نیاز به تعمق آگاهانه دارد. شاعر در دوران ستم ۱۹۶۸م - ۲۰۰۳م با بیگانگی درونی، بدبختی و طرد واقعیت سیاسی زندگی می کند. بنا بر این ، اشعار او دارای معنای نمادینی است که دغدغه های او و جامعه اش را بیان می کند. شاعر راه های ناهموار را در پیش گرفت تا حاکم مستبد را مماشات نکند. اشعار او سرشار از زندگی، ژرفای فلسفی و رد واقعیت دردناک بود:^{۲۲}

تنبعنا اشجار لا تتكس ظللها، انها لاتكرهنا

اشجار وتقویم نكف فيها حبالنا، اننا لانرحل

ارمي للكذبة رأسا من اجل ان تكون حانية،

بينما الكلمات مجدبة، وهذا ما اعرفه.

ولا الوى شيئا.^{۲۳}

حزن شاعر یأس آلود در دیوان " ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد " به پایان خود می رسد. در این مجموعه اشعار، فروغ خود را در آستانه فصلی سرد و در ابتدای درک هستی آلوده زمین و در برابر یأس ساده و غمناک آسمان، زنی تنها و ناتوان احساس می کند، و بدین نتیجه می رسد که (دیگر تمام شد). در اینجا است که او به همه چیز به دید نفرت و نفرین می نگرد و مردم اطراف خود را این چنین می بیند:^{٢٤}

جنازه های خوشبخت

جنازه های ملول

جنازه های ساکت متفکر

جنازه های خوش بر خورد، خوش پوش، خوش خوراک

در ایستگاههای و قتهای معین

و در زمینه مشکوک نورهای موقت

و شهوت خرید میوه های فاسد بیهودگی ...

آه،

چه مردمانی در چارراهها نگران حوادثند^{٢٥}

شاعر تصویر شاعرانه خود را ارئه می دهد که تخیل او را بیان می کند و عمق درد و تنهایی اش را نشان می دهد. در می یابیم که شاعر احساسات خود را با زبانی گسترده و غنی توصیف کرده است. شاعر توانسته فاصله بین حس شاعرانه عامیانه ای خود و جهت یابی دقیق خود را در متن پر کند. شاعر عوالم خود را شاعرانه به کار گرفته است. و دنیای خود را تجسم کرد و در انتخاب کلمات موفق شد. این به ارتقای جایگاه زبان او برای رسیدن به زبان بالاتر کمک کرد. و از استفاده بی ادبانه و توهین آمیز از زبان و واژگان دوری کند:^{٢٦}

لیکن الفضاء صمتک لیکن التنزه هزیمتک

لقد جردوک. بقیت وحدک تسخر من نفسک. مقطوعاً،

لا تمسک غیر ضلال، هی فی الأصل عدوتک،

جسد اللیل الواجم امام هوائه،

في كل وداع أنت عصفور مسافر يعود إلى أنقاضه
في كل ممر أنت تابوت حام واتكأ إلى شمس مطفأة^{٢٧}
می بینیم که حس شعری فروغ غنی و عمیق است و شعرش پر از اندوه وحسرت و
بغض آلود است.^{٢٨} شاعر از عباراتی مانند " شب افسوس، دلهره ی ویرانیست. وزش
ظلمت، نومیدی... " برای بیان رنج و درد و بد بینی خود استفاده می کرد:

در شب کوچک من، افسوس
باد با برگ درختان میعادى دارد
در شب کوچک من دلهره ی ویرانیست
گوش کن

وزش ظلمت را می شنوی؟

من غریبانه به این خوشبختی می نگرم
من به نومیدی خود معتادم^{٢٩}

عقیل علی سفر خود را با رنج توصیف می کند. او در شعر " البحر في المنفى " زبانی است که پر از احساسات و بلاغت در مورد باختن از دست دادن صحبت می کند و در اعماق اندوه و ناامیدی اش فرو می رود. شاعر جنگل صبحگاهی را از دست داده است. " ما نور بیداری او را خاموش کردیم ". " سعادت، اما آن نابود شده ". " آفتاب اما در حال مرگ است ":

ننغرس في لب النار
لقد خسرنا غابة الصباح أطفأنا ضوء صحوها
محاطين بإخوة الأغصان
محاطين بهناء مباد
محاطين بشمس تحتضر^{٣٠}

به نظر می رسد که فروغ فرخزاد فاقد شور و لطافت بوده و از بعد معنوی و روحی رنج می برد. سخت ترین احساس زمانی است که فرد در بین فامیل و خانواده اش زندگی می کند و احساس غم، درد، بیگانگی و ناامیدی می کند:

آن روزها رفتند

آن روزهای خوب

آن روزهای سالم سرشار

آن آسمان های پر از پولک

آن شاخساران پر از گیلاس

آن خانه های تکیه داده در حفاظ سبز پیچکها

به یکدیگر^{۳۱}....

حسرت و تأسف به گذشته از موتیفهای نمایان در شعر فروغ است: " یاد دوران کودکی و نو جوانی و آرزوی بازگشت به آن دوران ها که در شعر فروغ مکرراً دیده می شود. او در بسیاری از شعرهای خود از دوران کودکی یاد کرده است و در برخی از شعرها، خاطره هائی از آن روزگاران را نقل می کند:"^{۳۲}

ای هفت سالگی

ای لحظه ی شگفت عزیزم

بعد از تو هر چه رفت، در انبوهی از جنون و جهالت رفت...

ما هر چه را که باید

از دست داده باشیم، از دست داده ایم

ما بی چراغ به راه افتادیم

و ماه، ماه ماده ی مهربان، همیشه در آنجا بود

در خاطرات کودکانه ی یک پشت بام کاهگلی

و بر فراز کشتزارهای جوانی که از هجوم ملخ ها می ترسیدند^{۳۳}

عقیل علی روزگاری را به یاد می آورد که گذشت و از گذشته ها شد تا میزان ترس و وحشت را نشان دهد. زمانی که خون در آن جاری می شود. در اینجا عمق و وزن زمان برای آشکار شدن یک عمل گذشته باز می شود که به چند برابر شدن احساس انزوا، تنهایی و وحشت کمک می کند: " کانت النیران " [آتش بود] و " کانت الدماء " [خون بود] و تکرار می کند: " فی زمن ولی " [در زمان گذشته]:^{۳۴}

في زمن ولي
كانت النيران تغلي في أجوافنا من الرعب

في زمن ولي
كانت الدماء تنساب،
مثل زوارق ورقية فوق أنامل الهواء

في زمن ولي
على جباهنا المتشققة توشم بصمات أضلاف الرعد
وأثار شفاهه القاحلة
كان ذلك في زمن ولي.^{٣٥}

نتیجه گیری

- فروغ یکی از پیشگامان شعر معاصر فارسی است و در صحنه ادبی ایران نقش روشنی دارد.
- عقیل علی از شاعران تأثیرگذار عراقی در شعر است. و از شاعران معروف عراقی و عرب بشمار می رود.
- فروغ احساس تنهایی، درد و بیگانگی روحی می کرد و سختی محیط اجتماعی را احساس می کرد، و به نظر می رسد تجربه ازدواج نا موفق (طلاق) و جدایی از تنها پسرش (کامیار) از دلایل اصلی برای غم و درد او بوده است.
- عقیل علی زندگی سخت و پر از درد، فقر، بد بختی، عصیان و بیگانگی درونی داشت. بنا بر این ما مضمون غم، یأس و سر خوردگی را در شعر او می بینیم.
- اشعار آن ها با عمق بیان و دقت تصاویر شاعرانه برای بیان تراژدی خویش و تراژدی انسان در عصر مدرن متمایز بود.

- این دو شاعر در بسیاری از شعرهای شان از نمادها برای بیان رنج خویش و جامعه استفاده کردند.

- موضوع غم و درد در اشعار فروغ و عقیل علی محور اصلی قرار گرفت.

پی نوشت

- ١- جعفری، عبد الرضا، ١٣٧٨: ٣٦٦.
- ٢- ن.ک: مرتضی پور، اکبر، ١٣٨٣: ١٩٧ - ١٩٨.
- ٣- جعفری، عبد الرضا، ١٣٧٨: ٨٢٦.
- ٤- جعفری، عبد الرضا، ١٣٧٨: ٨٢٦.
- ٥- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ٤٣.
- ٦- ن.ک: مرتضی پور، اکبر، ١٣٧٨: ١٩٩ - ٢٠٣.
- ٧- ن.ک: مرتضی پور، اکبر، ١٣٧٨: ٢١٤.
- ٨- ن، ک: جاسم، سعد، ٢٠١٧.
- ٩- علي، عقيل؛ مجلة الكلمة، ١٩٧٤: ٤.
- ١٠- همان: ٤.
- ١١- ن.ک: جاسم، سعد، ٢٠١٧.
- ١٢- علي، عقيل، ٢٠٠٩: ٢١٠.
- ١٣- ن.ک: علي، عقيل، ٢٠٠٩: ٩ - ١١.
- ١٤- همان: ٢٠١ - ٢٠٢.
- ١٥- ن.ک: جاسم، سعد، ٢٠١٧.
- ١٦- ابو اندلس، عدنان، ٢٠١٦.
- ١٧- ن.ک: حسين پور چافى، على، ١٣٨٣: ٢٦٠. زرقانى، مهدى، ١٣٨٣: ٤٦٣.
- ١٨- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ٣٣٢.
- ١٩- علي، عقيل، ٢٠٠٩: ١٤٤.
- ٢٠- ن.ک: حسين پور چافى، على، ١٣٨٣: ٢٦٢.

- ٢١- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ٣٠٣ - ٣٠٤.
- ٢٢- كاظم، صباح محسن، ٢٠٢٠.
- ٢٣- علي، عقيل، ٢٠٠٩: ٤٤.
- ٢٤- حسين پور چافى، على، ١٣٨٣: ٢٤٢.
- ٢٥- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ٣٢٠ - ٣٢١.
- ٢٦- الخفاجي، كريم شلال، ٢٠١٠.
- ٢٧- علي، عقيل، ١٩٩٢: ٤٩.
- ٢٨- ن.ك: جعفرى، عبد الرضا، ١٣٧٨: ٤٢٧.
- ٢٩- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ٢٠٨.
- ٣٠- علي، عقيل، ١٩٩٢: ١٦ - ١٧.
- ٣١- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ١٩٢.
- ٣٢- شمييسا، سيروس، ١٣٧٦: ١٣٧.
- ٣٣- فرخزاد، فروغ، ١٣٨٢: ٣٢٣ - ٣٢٤.
- ٣٤- ن.ك: الناصري، مسار حميد عبد، ٢٠١٧: ٧٨.
- ٣٥- مؤسسة أروك للإنتاج الثقافي، ٢٠١٥، ٣٠٨.

منابع

أبو اندلس، عدنان؛ قصيدة ريح الجمة للشاعر الراحل عقيل علي، اغماضة الموت في الحياة، مقال، صحيفة الزمان، ٢٧ يناير ٢٠١٦ .

جاسم، سعد؛ عقيل علي : الشاعر الذي اطعمنا خبز الالم، مقال، ٢٠١٧/٠٥/٢٨،

<https://www.alnaked-aliraqi.net/article/42418.php>

جعفرى، عبد الرضا؛ فروغ جاودانه: مجموعه شعرها و نوشته ها و گفتگوهاى فروغ فرخزاد، به انضمام نوشته هاىى درباره فروغ، تهران، نشر تنوير، ١٣٧٨ .

حسين پور چافى، على؛ جريانهاى شعرى معاصر فارسى از كودتا (١٣٣٢) تا

انقلاب (١٣٥٧)، مؤسسه انتشارات امير كبير، چاپ سوم، تهران، ١٣٩٠ش.

الخفاجي، كريم شلال، الصورة الجمالية في شعر عقيل علي، ٢٠١٠/٢/١٤ مقال،
<http://www.alnoor.se/article.asp?id=69140>

زرقاني، سيد مهدي؛ چشم انداز شعر معاصر ايران، نشر ثالث، تهران، چاپ اول،
١٣٨٣ش.

- شميسا، سيروس؛ نگاهى به فروغ فرخزاد، انتشارات مرواريد، چاپ سوم، ١٣٧٦ .
علي، عقيل؛ مجلة الكلمة، العدد الخامس، سنة ٦، ايلول، ١٩٧٤م.
علي، عقيل؛ جنائن آدم وقصائد أخرى، منشورات الجمل، الطبعة الأولى، ٢٠٠٩.
علي، عقيل؛ طائر آخر يتوارى، منشورات الشتات، ١٩٩٢.
علي، عقيل؛ طائر آخر يتوارى وقصائد أخرى، انطولوجيا شعرية، مؤسسة أروك
للإنتاج الثقافي، مطبعة السيماء، بغداد، ٢٠١٢ .
فرخزاد، فروغ؛ مجموعه اشعار فروغ فرخزاد، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ١٣٨٢.
كاظم، صباح محسن؛ رؤى نقدية بتجربة شعرية مغايرة للسائد الشعري عن " عقيل
علي " ، مجلة اوراق ثقافية، ٢٢ سبتمبر ٢٠٢٠ ، <http://www.awraqthaqafya.com/1030/>؛
مرتضى پور، اكبر؛ شرح حال شاعران معاصر ايران، تهران ، چاپ اول، ١٣٨٤ش.
الناصرى، مسار حميد عبد؛ ناقوس الأوقات المنحنية تحولات الخطاب في شعر عقيل
على، عمان، دار غيداء للنشر والتوزيع، ٢٠١٧.